

# ایرانیان و شیعیان در تایلند: از دوره آیوتایا تا زمان حاضر<sup>۱</sup>

کریستف مارسینوفسکی\*

نجمه محدثی\*\*

## چکیده

تاریخ روابط فرهنگی و تجاری ایران با کشورهای جنوب شرقی آسیا به پیش از اسلام باز می‌گردد که رابطه با سیام و سابقه حضور ایرانیان در آن کشور از این جهت در خور توجه و پیگیری است. این نوشتار، گزارش مفصل کریستف مارسینوفسکی در سخنرانی عمومی وی در ۲۰ مارس ۲۰۱۲ در مرکز نالاندا- سرپوجایا<sup>۱</sup> است؛ و راجع به ایرانیان و شیعیانی است که در دوره صفوی (قرن هفدهم میلادی) آمد و شد به سیام را آغاز کردند و جدای از روابط رسماً دیپلماتیک و تجاری در دوره شاه نارای (۱۶۵۶-۱۶۸۸)، نقش خود را در تبلیغ تصوف و امور آموزشی و فرهنگی تثبیت کردند. همچنین، در این مقاله شواهدی در تأیید این دعوی وجود دارد که نشان می‌دهد ناظران و هیئت‌های غربی به مشاوران شیعی شاه نارای اشاره می‌کنند. نویسنده عامل تاریخی اصلی و تعیین کننده در پس تسلط مسلمانان اهل سنت بر شیعیان تایلند را، دوربودن از پیامد «دوره میانی تاریخ ایران» می‌داند. از دید او، با اینکه این روابط با زوال حکومت صفوی به دست افغان‌ها از بین رفت، اما شیعیان در دوره پهلوی (۱۹۲۱-۱۹۷۸) این روابط را با تایلند از سر گرفتند. در نتیجه این روابط شماری از سفرها و مردم تایلند به تشیع گرویدند و مراکز فرهنگی ایران در تایلند تأسیس شد.

کلیدواژه‌ها: ایران، سیام، تایلند، شیعیان، عهد صفوی.

۱. مشخصات کتاب‌شناختی این اثر چنین است:

Christoph Marcinkowski, "Persians and Shi'ites in Thailand: From the Ayutthaya Period to the Present", in: *NSC Working Paper*, 2015, No. 15.

\* محقق ارشد مطالعات اسلامی، خاورمیانه و جنوب شرقی آسیا، تحلیلگر ارشد سیاسی در برلین

\*\* دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه فردوسی مشهد [najmeh.mohaddesi@mail.um.ac.ir](mailto:najmeh.mohaddesi@mail.um.ac.ir)

## مقدمه

کشور بودایی سیام (تایلند کنونی) می‌تواند یادآور رابطه چندصدساله با خاورمیانه باشد. از قرار معلوم، ایران از این جهت بسیار زبانزد است. تاریخ روابط فرهنگی و تجاری ایران با کشورهای جنوب شرقی آسیا به دوره‌های پیش از اسلام باز می‌گردد. هرچند این روابط در عهد ساسانی و اوایل دوره اسلامی ثبت و ضبط شده است (see Colless, 1969: 1969-79; Tibbetts, 1955, 1957, 1981)، روابط رسماً دیپلماتیک بین این دو منطقه، نشانگر جایگزینی مأموریت‌های موقت در ازای مأموریت‌های خارجی پایدار است، که فقط در عهد صفوی (۱۵۰۱-۱۷۲۲) قابل پیگیری است. روابط میان ایرانیان و مردم تایلند (چه از طریق شبه‌قاره هند و چه از خود ایران) صرفاً پس از حل و فصل تدریجی که بعدها رخ داد و تسلط بر فلات مرکزی تایلند کنونی، امکان‌پذیر شد. فرآیند مهاجرت با تأسیس آیوتایا (Yu-ti-ya)، به عنوان پایتخت کشور تایلند که به سیام معروف بود، در سال ۱۳۵۱ به دست پادشاه یوتانگ (یا در سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۶۹ با نام راماتیبادی (Ramathibodi))، به اوج خود رسید. آیوتایا در حدود ۸۰ کیلومتری شمال بانکوک کنونی واقع شده، و از نظر راهبردی در دره هموار رودخانه قابل کشتیرانی چائوفرایا قرار دارد که به خلیج تایلند منتهی می‌شود؛ و (این کشور که) مقدر بود به یکی از مهم‌ترین مراکز تجاری منطقه تبدیل گردد، در فاصله ناچیزی از شرق آسیا، چین و هند واقع شده است. با این حال، در درازمدت تجارت دریابرد برای ایران نسبت به تجارت معمول از طریق جاده ابریشم اهمیت کمتری داشت. فقدان سرمایه‌گذاری در کشتی‌سازی و نیروی دریایی به اروپاییان این فرصت را داد که امتیاز انحصاری این مسیر تجاری را در اختیار بگیرند.

در نیمه اول قرن پانزدهم، ما هوان، نویسنده مسلمان چینی، با دریاسالار مشهور مینگ چنگ هو در برخی از اکتشافات خود در منطقه اقیانوس هند، همراه شد و همچنین سیام (حسین لو) را ملاقات کرد و حضور پانصد یا ششصد خانوار خارجی را در آیوتایا گزارش کرد و در عین حال اشاره دقیقی به حضور ایرانیان در میان آنها نکرد (Ma Huan, 1997: 106). در سال ۱۴۴۲، عبدالرزاق سمرقندی در مطلع السعدین

(397-398: *Matla'alSa'dayn*, 1984) خود به صراحت به روابط تجاری تنگاتنگ میان خلیج فارس و تنگه هرمز با شهر نو یا ناو (که مترادفی برای آیوتایا است)، اشاره می‌کند. از قرن پانزدهم، منابع عربی مانند *ابن ماجد* به همان شهر ناو اشاره می‌کنند و آن را ناوا (Shahr Nawa: See Tibbetts, 1981, 'index of place names' and 'Arabic index') می‌خوانند. در جای دیگر (See Tibbetts, 1981, 'index of place names' and 'Arabic index') به تفصیل اهمیت وجودی آیوتایا را شرح داده‌ام و به نام فارسی شهر ناو و تنوع هجای آن در میان خارجی‌ها و غیرتایلندی‌ها اشاره کرده‌ام. در اینجا به نظر می‌رسد فقط می‌توان شکل صحیحی از شهر نو (شهر قایق‌ها و کانال‌ها) را به‌جمال ذکر کرد (See Marcinkowski, 2004a; Al-Attas, 1970: 3 ff.; Abdul Rahman Haji Ismail, 1998: 110 ff.; English tr. In Brown 1952: 45 ff.; Yule and Burnell 1996: 795-96, entry 'Sarnau, Sornau').

### آمد و شد ایرانیان به سیام

برای درک سابقه حضور ایرانیان در سیام، در نظر گرفتن مجموعه‌ای گسترده‌تر اهمیت شایانی دارد. وضعیت آشفته ملاکا (Malacca) (که وابسته به آیوتایا در شبه‌جزیره مالایا بود) در خلال قرن پانزدهم، به‌ویژه بعد از ویرانی‌اش به دست پرتغالی‌ها در سال ۱۵۱۱، سبب شد پادشاهان سیامی این منطقه را مجبور کنند به دنبال راه دیگری برای دست‌یابی به تجارت با منطقه غربی اقیانوس هند باشند. در طی دهه ۱۴۶۰، سیام بر تناسریم (Tenasserim) مسلط شد که در سال ۱۴۸۰ تا نزدیکی مرگیو (Mergui Archipelago)،<sup>۲</sup> ادامه داشت و در نتیجه سیام دسترسی مستقیمی به خلیج بنگال و گورکانیان هند (مانند پاکستان، بنگلادش و ...) پیدا کرد. به‌علاوه، غرب در قرن شانزدهم با استقرار تدریجی مغولان در شمال هند، شاهد تغییرات سیاسی چشمگیری بود. در اوایل قرن هفدهم، مغولان به سراسر بنگال و اوریسا (Orissa) دسترسی تام داشتند که با آن راه رسیدن به خلیج بنگال را به دست آوردند. پادشاهی دکن (Deccan) از سلسله قطب‌شاهیان (۱۳۴۷-۱۵۲۵) در گلکنده یا گلکنده (Golconda)، نیرویی توانمند در منطقه جنوب هند و جانشین سلسله شاهی بهمنیان به حساب می‌آمد. حکام قطب‌شاهی از شیعیان دوازده‌امامی بودند و از لحاظ سیاسی با شاهان صفوی ایران ارتباط داشتند؛ شاهانی که نام آنها در کنار دوازده امام در خطبه‌های نماز جمعه ذکر

می‌شد. پادشاهی کاملاً ایرانی شده آنان، نه تنها قدرت تجاری بزرگی محسوب می‌شد، بلکه همچنین به مأمی برای شیعیان تبدیل شد. به علاوه، اغلب، ایرانیان از ایران و شمال هند، در زمان حکومت مغولان سنی‌مذهب تا مدت‌ها تحت آزار و اذیت بودند.

سبرامانیام (Subrahmanyam) در تحقیق خود از مهاجرت ایرانیان از ایران به هند و آسیای جنوب شرقی، شواهد فراوانی دال بر حضور اقتصادی، سیاسی و ادبی آنان در سرزمین قطب‌شاهی آورده است. در نیمه دوم قرن شانزدهم، روابط تجاری وسیعی میان ماسالی پاتام یا بندر ماشلی (Masulipatam (or Matchlibandar)، بندر اصلی گلکنده و تناسریم سیام وجود داشت. از آنجایی که کشتی‌های تجاری عازم شرق در بندرهای قلمرو قطب‌شاهی توقف بین راهی داشتند، این قلمرو به عنوان گذرگاهی مهم، هم به جنوب شرقی آسیا و هم به طور خاص به امپراتوری آیوتایای تایلند خدمت کرده است. به رغم وجود شبکه‌های تجاری بنگالی (Bengali)، گجراتی (Gujarati) و هدرامی (Hadrami)، باید به نقش ایرانیان فراتر از تجار اصیل توجه شود. با این حال، دیدگاه اخیر، یعنی فعالیت‌های گوناگون آموزشی و فرهنگی ایرانیان، هنوز به بررسی و ایضاح بیشتر نیاز دارد و از این رو، فعالیت‌های مشابهی هم هست که به علت هدرامیس (Hadramis) با توجه به نقش آنها در گسترش تصوف در جنوب شرقی آسیا مهم است.

با در نظر گرفتن نقش دولت‌های مسلمان ایرانی در شبه‌قاره هند، هنوز جای تعجب نیست که مرکز تجاری سیامی آیوتایا عمدتاً با نام ایرانی تجار مسلمان شناخته شود. از لحاظ سیاسی و نظامی، قلمرو قطب‌شاهی، از نیمه دوم قرن ۱۷ به بعد، به‌ویژه به علت فشار مغولان از سمت شمال، رو به افول رفت. تا آنجایی که مؤلف می‌داند، از قرن ۱۵ به بعد، هنوز ادبیات تاریخ‌نگارانه هندوایرانی (به‌ویژه دکن)، با توجه به روابط سیامی-دکنی بررسی نشده است. به گفته سابرامانیام، در سال ۱۹۹۲، ایرانیان برای اولین بار در پادشاهی آیوتایا در تناسریم و مرگیو سکنا گزیدند. دست‌کم شواهدی در اوایل قرن شانزدهم، مبنی بر حضور ایرانیان در برمه سیام، دولت همسایه پگو و مالاکا وجود دارد. به هر حال، ظاهراً تعداد معدودی از ایرانیان حاضر در پایتخت آیوتایا (سیام) باقی مانده‌اند. به نظر می‌رسد عوامل متعددی در مهاجرت ایرانیان (عمدتاً از جنوب هند و

حتی شاید از ایران) به سیام در طی قرن ۱۷ نقش داشته است. این عوامل، بی‌ثباتی سیاسی در دکن، گسترش تجارت بین‌المللی صفویه در عهد شاه‌عباس دوم (۱۶۴۲-۱۶۶۶) و گسترش تجارت سیامی با شرق آسیا به‌ویژه با ژاپن (ناگاشیما (Nagashima) سال ۱۹۹۷ و ناگازومی (Nagazumi) ۱۹۹۹) را شامل می‌شود. در خصوص عامل اخیر، آیوتایا به مرکزی مهم برای تجارت با آن منطقه تبدیل شد و بنابراین مهاجران خارجی را جذب کرد. تا پایان قرن هفدهم، چه شیعیان ایرانی که از هند، به‌ویژه کشور شیعه دکن (حیدرآباد هند) مهاجرت می‌کنند، و چه از ایران، اکثریت ساکنان مسلمان در آیوتایا را تشکیل داده‌اند.

گای تاکارد (Guy Tachard)، جهانگرد و دیپلمات فرانسوی در ۱۶۸۰ گزارشی از دسته‌های تعزیه (ta'zia) در آن شهر با حمایت پادشاه سیام (بودایی)، عرضه کرد. یکی از موانع پژوهش بر روی جامعه ایرانی در آیوتایا کاربرد آثار باقی‌مانده تاریخچه سلطنتی تایی (تایلند) در اوضاع و احوالی است که افراد غیرسیامی و اتباع خارجی، اغلب تحت عناوین رسمی تایی (تایلندی) پنهان شده‌اند و اگر از خاورمیانه یا منشأ قومی هند باشند، به سراسر خائک (khaek) فرستاده می‌شوند که آخری غیرمسلمانان را شامل می‌شود. شایان ذکر است که وقتی در تاریخچه سلطنتی، به رویدادهای قرن شانزدهم تا به امروز رجوع می‌کنیم، زبان تایی (تایلندی) با تعبیر «فرنگ» (farang) به غربی‌ها اشاره می‌کند. در این صورت، «فرنگ» از واژه فارسی آن مشتق می‌شود که دارای همین بار معنایی است.

ظاهراً بخش‌های دیگری از تاریخچه تایلند وجود دارد که در آن، به تاراج رفتن آیوتایا را در سال ۱۷۶۷ به دست غارتگران برمه‌ای نشان داده است، ولی در این خصوص تاکنون سندی در دست نیست. مورخان تایلندی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مبنای کار خود را بر روی آنها قرار داده‌اند. این مورخان به طور خاص به شیخ احمد قمی یا قونی اشاره کرده‌اند؛ مهاجری که می‌گویند در حدود اوایل قرن هفدهم به عنوان تاجری از غرب یا شاید هم از راه هند وارد شده است. او عنایت خاصی به پادشاه سانگ تام (Song Tham) داشت؛ کسی که او را در رأس بالاترین مقامات اداری و اجرایی گماشت و مسئولیت یکپارچه تجارت با خاورمیانه و هند مسلمان را به او

واگذار کرد. شیخ احمد در سیام با نام تایلندی کولاراج مونتری، با دستور پادشاه آیوتایا به عنوان اولین دارنده مقام شیخ‌الاسلامی (معادل وزیر امور مسلمانان) (در این نهاد مسلمانان) منصوب شد. ضرورت این اقدام موجب رشد جمعیت مسلمانان شیعه در آیوتایا شد. شایان ذکر است که نوادگان شیعه او، که به عنوان خاندان بزرگ بوناگ معروف شدند، تا حدود سال ۱۹۴۵ همچنان بدین مقام تفویض می‌شدند. زیرا در آن سال اهل سنت آن نهاد را در دست داشت. با این حال از حدود ۱۷۵۰ به بعد، اکثر نوادگان او برای اینکه دائماً بتوانند در دربار حضور داشته باشند به بودیسم روی آوردند و بسیاری از آنان، حتی این روزها، جایگاه‌های پرنفوذی را در حیات اجتماعی تایلند به دست گرفته‌اند.

### ایرانیان و شیعیان در کشور آیوتایا

در دوره سلطنت شاه نارای (۱۶۵۶-۱۶۸۸) که باب تجارت خارجی بیشتری را گشود و به روابط فرهنگی علاقه داشت، بر بهای جامعه ایرانی آیوتایا افزوده شد. برای این دوره، ما سفرنامه سفینه سلیمانی، تألیف محمد بن ابراهیم (در اواخر قرن ۱۷)، سفیر عهد صفوی به دربار سیام (تایلند) را در دست داریم. تا آنجا که من اطلاع دارم، به نظر می‌رسد این متن تنها منبع موجود فارسی برای فهم ارتباطات گسترده صفویه با این منطقه محسوب می‌شود. در این سفرنامه آمده است که چون سیام به بندرهای هند نزدیک است و در مسیر دریایی چین و ژاپن واقع شده است، همواره بازرگانان را برای اقامت در آنجا جذب می‌کرده است. تبدیل شدن آیوتایا به مرکز بزرگ تجارت بین‌الملل، حضور گسترده بازرگانان خارجی در آنجا و ملاحظات سیاسی و راهبردی، ظاهراً حکام سیامی را به رایزنی با اقلیت مقیم ایرانی تحریک کرده است که با توجه به مسیر اقیانوس هند و شاید هم رویارویی با گورکانیان (مغولان) هند، با سایر کشورها هم روابط دیپلماتیک را دنبال کنند.

مثلاً در سال ۱۶۶۴ دربار گلکنده از هیئت نمایندگان سیامی استقبال گرمی کرد. در سال ۱۶۶۹ هیئت سیامی دیگری از طرف شاه نارای به دربار شاه‌سلیمان صفوی وارد شد. یکی دیگر از مأموریت‌های تجاری سیام در سال ۱۶۸۰ یا ۱۶۸۱ در ایران بود.

نامه‌ای در تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۶۸۳ نیز، به قلم پاپ ویکار و اسقف معروفی به نام فرانسوا (bishop François) اهل کزاروپلیس (Caesaropolis)، مبلغ مذهبی فرانسوی مستقر در اصفهان، و به پادشاهشان لویی چهاردهم، به هیئت سیامی اشاره می‌کند که در طول آن سال در دربار صفویه حضور داشت (DuMans, 1890: 339).

انگلبرت کمپفر نیز که پیش از اقامت موقتش در سیام و متعاقباً در ژاپن، به ایران سفر کرده بود، در ژولای ۱۶۸۴ از حضور هیئت سیامی دیگری (؟) در دربار شاه، در باغ سعدآباد خبر می‌دهد که به یکی از بومیان ایرانی این کشور به عنوان رهبر هیئت اعزامی سیام اشاره می‌کند (Kaempfer, 1940: 199). به احتمال قوی، این فرد حاج سلیم مازندرانی منسوب به ابن محمد ابراهیم بوده است. در نتیجه هیئت اعزامی ایرانی به آیوتایا در سال ۱۶۸۵ یا ۱۶۸۶ (که ابن محمد ابراهیم عضوی از آن بود) سفر مجددی را در واکنش به حضور هیئت سیامی به اصفهان ترجیح داد و از این رو سفر ایشان، جلوتر از سفر هیئت سیامی در سال ۱۶۶۹ نبوده است. پیشرفت آیوتایا به عنوان قدرت کلان تجاری در نیمه دوم قرن پانزدهم، منجر به هجوم تجار خارجی شد که اکثر آنان اقامت دائم داشتند. این مستلزم وضع قوانین دریایی و مسئولیت‌های سنگین برای مقامات، در مواجهه با خارجی‌ها بود (Breazeale, 1999: 1-54).

وضعیت مشابهی بر سایر کشورها در حاشیه اقیانوس هند، نظیر مالاکا (Malacca) در شبه‌جزیره مالایی (Malay Peninsula) و ماسولیاتام (Masulipatam) حاکم بود، که مقامات آن با عنوان فارسی «شاه‌بندر» خطاب می‌شدند (Subrahmanyam, 1992: 345). روابط دریایی آیوتایا در تایلند زیر نظر وزیری ملقب به فراخلنگ (Phra Khlang) (یا چاموئن سوراساکتی (Chamuen Sorasakti)) بود که به قول بریزیل (Breazeale)، در وزارت امور خارجه و تجارت دریایی فعالیت می‌کرد. عنوان «فراخلنگ» در میان تجار اروپایی این دوره، تحت اشکال نابجای مختلفی نظیر «برکلم» (Berklam) یا «بارکالون» (Barcalon) شناخته شد. این وزارت‌خانه متشکل از چهار بخش اصلی بود: بخش مدیریت کل، رسیدگی به دادخواست‌ها و گزارش‌ها؛ بخش امور دریایی غرب؛ بخش امور دریایی شرق و اوراق همایونی؛ و بخش انبارهای سلطنتی. بخش امور دریایی غرب که با تجارت اقیانوس هند مرتبط بود و به تایلندی «کروم تا کوا» (krom tha khwa) (در لغت

به معنای حزب محافظه‌کار راستی) خوانده می‌شد، در دربار، مقام مسئولش در دست راست پادشاه می‌نشست؛ یعنی بالاتر از همکارش در بخش شرقی، که دست چپ پادشاه بود و بدین نحو در مرتبه‌ای پایین‌تر قرار می‌گرفت.

مالک بخش غربی معمولاً شخص مسلمان بود. شیخ احمد ایرانی، که در ادامه بدان خواهیم پرداخت، مسئول کروم تا کوا بود. ظاهراً بخش کروم تا کوا نیز به‌ویژه با توجه به بندرهای سیامی اقیانوس هند در سواحل غرب شبه‌جزیره، مسئولیت‌های ارضی متعددی داشت. قدرت وزارت یا بخش غربی که فراگیرتر و پیچیده‌تر از همتای شرقی خود بود، حدوداً در اواخر قرن هجدهم افول کرد. لئونارد آندایا (Leonard Andaya) (127: 1999) به اداره یا دفتر فراخلنگ به عنوان تاجر پادشاه اشاره کرده و متوجه شباهت‌های آشکار میان ملک‌التجار (سردسته بازرگانان) در ایران و دفترهایی شده است که در تجارت جهانی آسیای جنوب شرقی، نظیر همان شاه‌بندر هستند. در سال ۱۶۱۰، احتمالاً در حوالی آغاز حکومت شاه سیامی سونگ تام (Song Tham)، معاصر شاه‌عباس کبیر (۱۵۸۸-۱۶۲۹ م.)، فراخلنگ می‌گوید وزارت به یاری دو مهاجر ایرانی، اصلاح و بهسازی شده بوده است. ظاهراً تقسیم وزارت به راستی و چپی، تحت نفوذ آنان به وقوع پیوست. لئونارد آندایا (125: 1999) به این دو مرد اهل جنوب هند (یعنی در حقیقت شیخ احمد قمی و برادرش) اشاره می‌کند که متأسفانه شواهدی برای این ادعا نمی‌آورد.

به گفته آندایا، احمد در آیوتایا ماندگار شده و رئیس بخش راستی کروم تا کوا می‌شود که مسئول تجارت با مردم اندونزی و منطقه غربی اقیانوس هند است. برادرش می‌گوید باید به هند بازگردد. به احمد و همراهانش قطعه زمینی روستایی برای اقامتشان، یک مسجد و گورستانی اعطا شد که امروزه همچنان با عنوان «بان کائک کوتی چائو سن» (Ban Khaek Kuti Chao Sen) شناخته می‌شود. مطالعات تبارشناختی پروفیسور وایات (Wyatt) در ریشه‌های اشرافیت تایلندی، اطلاعات مفصل‌تری درباره شخصیت رازگونه شیخ احمد به دست می‌دهد. به گفته وایات، شیخ احمد به همراه برادر کوچک‌ترش محمد سعید، در سال ۱۶۰۲ (بدون رد و نشانی) از خلیج فارس به آیوتایا وارد شدند و همسران تایلندی گرفتند. احمد بلافاصله به ریاست بخش راستی



منصوب شد. در مدت کوتاهی در دوران حکومت سونگ تام، به مقام فراخلنگ ارتقا یافت.

در پایان سلطنت آن پادشاه، وی با درجه چائوفرایا (Chaophraya) به مقام صدراعظم یا ساموهانایوک (Samuhanaiyok) ارتقا یافت. حدود سال ۱۶۳۰، پسر ارشدش (که به نام تایلندی «چوان» معروف است)، با در اختیار گرفتن عنوان رسمی چائوفرایا افیراکا (Chaophraya Aphairacha)، تا سال ۱۶۷۰، مقام پدر را از آن خود کرد. پسر ارشدش، سامبون، آخرین چائوفرایا چامنانفاکدی (Chaophraya Chamnanphakdi) نیز جانشین وی شد. در جای دیگر نیز وایات (1996a: 96)، جدولی تبارشناسانه (شجره‌نامه) از نوادگان شیخ احمد به دست می‌دهد. تجارت مجموعه‌ای از تجار ایرانی در قرن شانزدهم و هفدهم کمابیش تجارت دریایی اقیانوس هند شرقی را در اختیار گرفت و از هند جنوبی (بخش جنوبی هند) آغاز به کار کرد. مطالعه سوبرامانیام، شامل اطلاعات گرانباری درباره حال تجار برجسته ایرانی در جنوب هند است؛ موفق‌ترین آنان میرمحمد سید اردستانی (۱۵۹۱-۱۶۶۳) بوده است که در اصفهان بزرگ شد و در خلال دهه ۱۶۲۰ به جانب قلمرو پادشاهی گلکنده رهسپار شد.

به نظر می‌رسد تعداد ناظران غربی معاصری چون ابن‌محمد ابراهیم، که حضور ایرانیان در سیام، به‌ویژه آیوتایا را تا اواسط قرن هفدهم گوشزد می‌کنند، اندک بوده است. به طرز در خور توجهی، ابن‌محمد ابراهیم هرگز به شیخ احمد با نام یا عنوان مؤکد «بنیان‌گذار جامعه ایرانی» در سیام اشاره نمی‌کند. طی دهه ۱۶۸۰، به دلیل روی کار آمدن منافع سلطنتی اجنبی دیگری چون کنستانتینوس گراکس (Konstantinos Gerakis) یا کنستانتین فائولکن (Constantine Phaulkon) از مبالغ هنگفت جامعه ایرانی سیام جلوگیری شد. این رویداد در زمان سفر ابن‌محمد ابراهیم به سیام رخ داده است. به اقتضای به یغما رفتن آیوتایا به دست برمه در سال ۱۷۶۷، بازماندن آثار تاریخی تایلندی در این دوره دور از انتظار است. از اجداد خاندان بونانگ، که دیوید وایات درباره‌شان کار کرده است، می‌آموزیم که شیخ احمد می‌گوید در سال ۱۶۰۲ به آیوتایا وارد شده است، و به عنوان جد خاندان بونانگ در قرن نوزدهم و بیستم، آثار تایلندی درباره سلسله نسب اشراف سیام به دست می‌دهد. وایات گاه شیخ احمد را «قمی» یعنی «اهل قم» می‌خواند. با وجود

این، از نظر او، محل واقعی خاستگاه شیخ، باید جدای از محل استقرارش در نظر گرفته شود. چون ما نیز زبان عربی را می‌فهمیم (Andaya, 1999: 125).

از این رو، نظر به اینکه گفته شده به تازگی لوح یادبودی بر سر مزارش در آیوتایا ساخته شده است، خاستگاه «قمی‌بودن» وی نمی‌تواند درست باشد. همان‌طور که این نظر باید درباره نسب «قمی» وی گفته شود. خود شاه نارای می‌گوید از نظر خوراک روزانه، لباس و سبک‌های معماری دلخواه خود، تحت نفوذ فرهنگی ایرانی بوده است (Subrahmanyam, 1992: 34). ظاهراً خدمات و رویکرد تعاون‌مدارانه جامعه ایرانی به کشور پهناورشان قدردانی و توجه حکمای آیوتایا را در پی داشت. به گفته پروفیسور آنتونی رید، شیعیان ایرانی در زمره نزدیک‌ترین مشاوران نارای، و به‌ویژه از نظر تجاری هم‌سنگ قدرتمندترین هیئت‌ها (شرکت‌ها)ی اروپایی بودند.

معمولاً انگلرت کمپفر در خور اعتماد است. او که در سال ۱۶۹۰ به آیوتایا سفر کرده، از زبان فارسی به عنوان زبانی با گویش‌های مختلف محلی در میان مسلمانان سیام یاد می‌کند (Kaempfer, 1940: 135). چه‌بسا این مطلب به مسائل مربوط به تجارت با دولت‌های مسلمان در هند اشاره می‌کند. از آنجایی که به نظر می‌رسد زبان مالایی در داد و ستد با مردم مالایی-اندونزیایی به کار می‌رفته است، با اطمینان می‌توان ثابت کرد که چگونه بسیاری از مسلمانان ایرانی در طول نیمه دوم قرن هفدهم و تا نابودی شهر و پادشاهی به دست مهاجمان برمه‌ای در سال ۱۷۶۷، در آیوتایا زندگی می‌کردند. به هر صورت، روابط تجاری، فرهنگی و دینی با ایران و سایر ایرانیان شیعه دنیا در سال ۱۷۲۲، آن زمان که قدرت صفوی منحل شد و پایتخت ایران (اصفهان) به دست افغان‌ها افتاد، از هم گسست؛ همین‌طور آیوتایا، که ۴۵ سال بعد به دست برمه‌ای‌ها افتاد به همین سرنوشت دچار شد. افزون بر این، چنان‌که دیدیم، به قدرت رسیدن فائولکن در سیام و تصاحب مملکت (پادشاهی) شیعه گلکنده در سال ۱۶۸۷ به دست مغولان هندی می‌توانست به کندی صورت گیرد یا مانع هجوم بی‌وقفه ایرانیان (یا دست‌کم مسلمانان فارسی‌زبان) به سیام شود.

با وجود این، کمپفر (24: 1998) به فراخ‌لنگ آن زمان به عنوان مسلمانی هندی (یعنی ایرانی اهل هندوستان؟) اشاره می‌کند. مسلمانان، به همراه شمار فراوانی از هم‌وطنان

بودایی خود، باید تا نابودی کامل آیوتایا به دست برمه‌ای‌ها در سال ۱۷۶۷ دست‌خوش رنج شده باشند. برخی از نوادگان شیخ احمد باید از این فاجعه جان سالم به در برده باشند، هرچند به نظر می‌رسد نفوذ سیاسی خانواده‌های ایرانی تبار همچنان در دوره بانکوک ادامه یافت. نقل است که، از وقتی که شاخه اصلی خانواده شیخ احمد در قرن نوزدهم به بودیسم گرایش پیدا کردند، در دیوان عالی (دوره بانکوک) (یعنی دوره تحت انقیاد سلسله چاکری که تا سال ۱۷۸۲ بر تایلند فرمانروایی کرده‌اند) به عنوان خاندان بونانگ خوانده شدند (Wyatt, 1999a: 96-105; 1999b: 106-130). با وجود این، شاخه دیگری از خاندان شیخ احمد، از شیعیان اثناعشری باقی ماندند، چراکه پیش از این پی بردیم که تا سال ۱۹۴۵ عنوان «کولاراج مونتری» (Chularajmontri) یا شیخ‌الاسلامی بدین منظور به کار می‌رفت که به یکی از نوادگان شیخ احمد اعطا شود.

شیخ احمد و تاریخ حضور ایرانیان در سیام موضوع همایش‌های متعدد در تایلند بوده است. نخستین همایش، که در سال ۱۹۹۴ در مرکز مطالعات تاریخی آیوتایا برگزار شد، انتشار یک جلد از شرح مذاکرات را به همراه چکیده‌های منتخب انگلیسی در تایلند در بر داشت. نشست مشابهی در ۱ مارس ۲۰۰۳ در بنیاد صلح جو-آسیایی دانشگاه اسرینگرین وایروت بانکوک، تحت عنوان همایشی درباره «ارتباطات ایران-تایلند: گذشته، حال، آینده» برپا شد. نشست دیگر، همایش بین‌المللی تأثیرات تصوف ایرانی بر جنوب شرقی آسیا بود (احتمالاً بهترین این نشست‌ها تا به امروز بوده که به بحث روابط ایران-تایلند، در گذشته و حال پرداخته است) که در ۷ یا ۸ فوریه ۲۰۰۴ در بانکوک تشکیل شد و مؤسسه کاتولیکی دانشگاه اسامپشن (Assumption) آن را ترتیب داد. این همایش نیز، انتشار یک جلد (از شرح مذاکرات) را در بر داشت. من در دو نشست پیش‌گفته اخیر حضور داشتم. مرکز فرهنگی سفارت ایران در بانکوک فعالانه در تشکیل تک‌تک این جلسات، دست داشت.

### اقلیتی کوچک: شیعیان در تایلند کنونی

به نظر می‌رسد آخرین روابط دیپلماتیک میان ایران و سیام، در سفارت توصیف‌شده از طریق کشتی سلیمان بود، تا آنکه روابط دیپلماتیک بین تهران و بانکوک در قرن

بیستم از سر گرفته شد. روابط دیپلماتیک میان سیام (تایلند) و امپراتوری ایران (ایران)، به علت نابودی حکومت آیوتایا (به دست برمه‌ای‌ها) در سال ۱۷۶۷ و حکومت صفوی (به دست افغان‌ها) در سال ۱۷۲۲، از هم پاشید. با وجود این، آنان این روابط را به صورت دائمی در دوران حکومت منسوخ پهلوی در ایران، از سر گرفتند. پادشاهان ایران و تایلند، هر دو، طی دهه ۱۹۶۰ یکدیگر را ملاقات کردند. در حال حاضر، سفارت‌خانه‌های ثابتی در هر دو کشور وجود دارد؛ سفارت‌خانه‌ای که در سال ۱۹۵۶ در بانکوک تأسیس شد، نخستین سفارت‌خانه میان ایران و تمامی کشورهای جنوب شرقی آسیا است.

سازمان اطلاعات مرکزی تایلند در ۲۶ ژوئن ۲۰۰۶، آمار جمعیت تایلند را ۶۴,۶۳۱,۵۹۵ نفر اعلام کرد و از این میزان، تعداد مسلمانان در این کشور با ۴.۶ درصد، نسبت به تعداد بوداییان با ۹۴.۶ درصد کمتر است. هرچند اینجا جای بحث و گفت‌وگو درباره این اعداد و ارقام نیست، چه بسا تعداد واقعی مسلمانان می‌توانست نزدیک ۱۰ درصد باشد. مهم‌تر از این، جامعه مسلمان تایلند امروزی، گرچه از لحاظ قومی سازگار و یکنواخت نیست، از لحاظ فرهنگی تحت اختیار مالایی‌های جنوب تایلند است که مجدداً پیرو مذهب شرعی اهل سنت شافعی‌اند. چشم‌انداز دینی و فرهنگی آنان مستقیماً در راستای دیدگاه کشور همجوارشان مالزی و جهان عرب پیش می‌رود تا اینکه به سمت و سوی ایران یا هند باشد، چنانچه در طی دوران حکومت آیوتایا وضع همین بود. به نظر می‌رسد عامل تاریخی اصلی و تعیین‌کننده در پس تسلط مسلمانان اهل سنت در میان مسلمانان امروزی تایلند، دوربودن از پیامد «دوره میانی تاریخ ایران» [که دوره سقوط عباسیان تا به قدرت رسیدن ترکان سلجوقی را شامل می‌شود]، در دوره آیوتایا باشد، دوره‌ای که یکپارچه‌شدن چهار ایالت حکومتی جنوبی ناراتیوات (Narathiwat)، پاتانی (Pattani)، یالا (Yala) و ساتون (Satun) در ساختار حکومتی نظام پادشاهی در سال ۱۹۰۲، سبب شد اسلام به بزرگ‌ترین دین اقلیتی کشور تبدیل شود (Yusuf, 1998: 284).

تسلط مسلمانان اهل سنت در سال ۱۹۴۵، همچنین موجب انتصاب رهبر جماعت مسلمان سنتی (که با عنوان «کولاراج‌مونتری» به تایلندی و «شیخ‌الاسلام» به عربی

شناخته می‌شود) به جای رهبر شیعه قبلی شد. همان‌طور که پیش‌تر شاهد بودیم، این رهبران شیعه، اعضای خاندان بونانگ و نیز نوادگان شیخ احمد قمی، دانشمند مهاجر ایرانی و تاجر محبوب پادشاهان آیوتایا بوده‌اند. علی‌رغم پایان‌یافتن استیلای شیعه، مسلمانان شیعی (عمدتاً قوم پاتان‌ها (Pathans))، به جز گرایش‌های قومی تایلندی و مالایی جدید، همچنان به حیات خود در این کشور ادامه می‌دهند. شیعیان که در حال حاضر صرفاً اقلیت ناچیزی در کلان‌شهر بانکوک هستند، چه‌بسا بتوانند بیش از هر چیز، در ترسیم تاریخ عظیم تشیع در تایلند، در دوره آیوتایا، شگفتی‌ساز شوند. هرچند عرضه هر آمار و ارقامی امکان‌پذیر نیست، داده‌های من تعداد شیعیان در تایلند را حدود یک درصد از جمعیت مسلمان این کشور تخمین می‌زند، بدین معنا که اساس تخمین، ده‌ها هزار نفر از مردم، بسته به ارقام یا تعداد آن جمعیت است. به گفته وزارت امور خارجه تایلند، [...]، سازمان امور دینی (Religious Affairs Department (RAD)) گزارش می‌دهد که ۳۰۴۷۹ مسجد در ۶۴ استان، با بیشترین تعداد در استان پاتانی، وجود دارد. اکثر این مساجد مربوط به شاخه سنی اسلام است. مابقی این مساجد را که سازمان مذکور، روی هم رفته از یک تا دو درصد برآورد کرده، مربوط به شاخه شیعی اسلام است.

در هر صورت، به نظر می‌رسد حیات شیعه در تایلند کنونی، کاملاً در اختیار سفارت ایران در بانکوک و مرکز فرهنگی آن، به رغم حضور پُررنگ قطب اهل سکوت، همچون سید خویی (Al-Sayyid al-Khū'i)، در این شهر است. برای اینکه بیشتر درباره این نهاد سر در آورم، کوشیده‌ام، اما گفته بودم که دیگر فعال نیست. آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی، شاید یکی از محترم‌ترین دانشمندان شیعی اهل سکوت مستقر در نجف در قرن بیستم باشد. او مشتاقانه با ایجاد نهادهای رفاهی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی به نام خود برای مسلمانان سراسر جهان (یعنی لندن، نیویورک، لبنان، پاکستان، بنگلادش و تایلند) جان‌فشانی کرد. سفارت ایران در بانکوک، برای ترویج محیطی مساعد برای ایران، با دعوت به همایش‌ها و انتشار ادبیات سنتی فارسی با برگردان تایلندی، نظیر اشعار حافظ، سعدی، مولانا جلال‌الدین رومی و دیگران، تلاش می‌کند.

مثلاً شیخ احمد و تاریخ حضور ایرانیان در سیام، موضوع همایش‌های متعدد، اغلب همراه با دانشگاه‌های مختلف محلی در تایلند بوده است. مرکز فرهنگی سفارت ایران،

در محیط خود، کتاب‌خانه شیخ احمد قمی را جای می‌دهد، افزون بر اینکه عمدتاً میزبان کتب و نشریات مذهبی راجع به ایران و تاریخ و فرهنگ آن است. سفارت ایران همچون مرکز فرهنگی، همایشی درباره شیخ احمد قمی از ۲۳ تا ۲۴ نوامبر در بانکوک ترتیب داد. این همایش عمدتاً در پی بزرگداشت رسمی از پنجاهمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک بین ایران و کشور پادشاهی تایلند، در سال ۱۹۵۵ بود. همان‌طور که پیش از این ذکر شد، به نظر می‌رسد مأموریت ایران، که آخرین رابطه دیپلماتیک بین ایران و سیام بود، تا زمان از سرگیری دوباره این روابط دیپلماتیک بین تهران و بانکوک در قرن بیستم، در سفرنامه قرن هفدهم سفینه سلیمانی بازگویی شده است.

شایان ذکر است که به نظر می‌رسد تایلند، نخستین کشور جنوب شرقی آسیا بود که در دوره پهلوی، روابط دیپلماتیک پایداری با ایران برقرار کرد. ظاهراً اکثر کارمندان تایلندی در سفارت ایران، نوکیش، برخی اصالتاً مالایی و برخی اصالتاً تایلندی هستند. در اوایل دهه ۱۹۸۰، عدّه کثیری در تایلند به چشم می‌خورند که پیوسته، عمدتاً از تسنن به تشیع می‌گروند و بسیاری از آنها از حامیان نسبتاً سرسخت حکومت فعلی در تهران هستند. افزون بر این، بسیاری از آنها طلب سابق حوزه‌های علمیه شیعیان اثناعشری در ایران، نظیر قم، هستند. به نظر می‌رسد عدّه کثیری از آنان تقریباً از طرفداران بی‌چون و چرای ایران و نظام سیاسی جاری آن باشند.

### پی‌نوشت‌ها

#### 1. Nalanda-Sriwijaya Centre, ISEAS

۲. «آرچیپلاگو» به معنای مجموعه یا زنجیره‌ای از جزایر در جنوبی‌ترین ناحیه برمه است.

## منابع

- Abdul Rahman Haji Ismail (ed.) (1998). *Sejarah Melayu (The Malay Annals)*, MS. Rafes, No. 18, New Romanized Edition, Kuala Lumpur: Malaysian Branch of the Royal Asiatic Society.
- Alam, Shah Manzur (1959). 'Masulipatam: A Metropolitan Port in the Seventeenth Century', in: *Islamic Culture*, 33 (3): 69-87.
- al-Attas, Syed Muhammad Naguib (1970). *The Mysticism of Hamzah Fansuri*, Kuala Lumpur.
- Andaya, Leonard Y. (1999). 'Ayutthaya and the Persian and Indian Muslim Connection', in: Kennon Breazeale (ed.), *From Japan to Arabia: Ayutthaya's Maritime Relations with Asia*, pp. 119-136, Bangkok: The Foundation for the Promotion of Social Sciences and Humanities Textbooks Project.
- Arong Suthasasna (1984). 'Occupational Distribution of Muslims in Thailand: Problems and Prospects', in: *Journal of the Institute of Muslim Minority Affairs*, 5 (1): 34-242.
- Aubin, Jean (1973). *Review of Tte Ship of Sulaiman*, translated from Persian by John O'Kane (London: Routledge & Kegan Paul, 1972), *Studia Iranica* 2 (2): 86, 1980 'Les Persans au Siam sous le regne de Narai (1656-1688)', *Mare Luso-Indicum* 4: 95-126.
- Breazeale, Kennon (1999). 'Tai Maritime Trade and the Ministry Responsible', in: Breazeale (ed.), *From Japan to Arabia: Ayutthaya's Maritime Relations with Asia*, pp. 1-54, Bangkok: The Foundation for the Promotion of Social Sciences and Humanities Textbooks Project.
- Brown, C. C. (tr.) (1952). 'The Malay Annals', in: *Journal of the Malayan Branch of the Royal Asiatic Society*, 25 (2-3): 5-276.
- Browne, Edward Granville (1984). *A Literary History of Persia, Volume III: Te Tartar Dominion (1265-1502)*, Cambridge, New York, and Melbourne: London, reprint.
- Caron, François and Joost Schouten (1986). *A True Description of the Mighty Kingdoms of Japan and Siam*, A Facsimile of the 1671 London Edition in a Contemporary Translation from the Dutch by Roger Manley, Bangkok: Te Siam Society.
- Central Intelligence Agency (2006). 'Te World Factbook: Thailand', available online at <http://www.cia.gov/cia/publications/factbook/geos/th.html> (accessed on 27 June 2006).

- Chaiwat Satha-Anand (2004). 'Praying in the Rain: the Politics of Engaged Muslims in Anti-War Protest in Tai Society', in: *Pacific Review: Peace, Security & Global Change*, 16 (2):161.
- Chao Phraya Tiphakorawong Maha Kosa Tibodi (1939). *Chotmai het prathom wong sakun bunnak riapriang doi than phraya chula ratchamontri (sen) than phraya worathep (thuan) than chao phraya thiphakorawong maha kosa thibodi (kham bunnak)* [Records of the beginning of the Bunnag lineage, compiled by Phraya Chula Ratchamontri (Sen), Phraya Worathep (Tuan) and Chao Phraya Tiphakorawong Maha Kosa Tibodi (Kham Bunnag)], Bangkok [in Tai].
- Charnvit Kasetsiri (1976). *The Rise of Ayudhya: A History of Siam in the Fourteenth and Fifteenth Centuries*, Kuala Lumpur and New York: Oxford University Press.
- Colless, Brian E. (1969). 'Persian Merchants and Missionaries in Medieval Malaya', in: *Journal of the Malayan Branch of the Royal Asiatic Society*, 42 (2):10–47.
- Colless, Brian E. (1969–79). 'The Traders of the Pearl. The Mercantile and Missionary Activities of Persian and Armenian Christians in South East-Asia', Series of articles in: *Abr Nahrain*, vols. 9–18.
- Cultural Center of the Islamic Republic of Iran [Bangkok] (ed.) (1995). *Sheikh Ahmad Qomi and the History of Siam*, Bangkok: 2538 Buddhist Era.
- Cushman, Richard D. (trans.) (2000). *The Royal Chronicles of Ayutthaya: A Synoptic Translation*, ed. David K. Wyatt, Bangkok: The Siam Society.
- Devare, T. N. (1960). *A Short History of Persian Literature at the Bahmani, the Adilshahi and the Qutbshahi Courts (Deccan)*, Poona: S Devare.
- Dhiravat na Pombejra (2001). *Siamese Court Life in the Seventeenth Century as Depicted in European Sources*, Bangkok: Department of History, Faculty of Art, Chulalongkorn University.
- Du Mans, Raphaël (1890). *Estat de la Perse en 1660*, with notes and appendix by Charles Schefer, Paris: Ernest Leroux.
- DuPee, Matthew C. and Ahmad Waheed (2001). 'High Times for Iranian Drugs Mafa', in: *Asia Times Online*, 5 January 2011, available online at:
- Farouk, Omar (1988). 'The Muslims of Tailand: A Survey', in: Andrew D. W. Forbes (ed.), *The Muslims of Tailand*, 2 vols, Gaya: Centre for South East Asian Studies.
- Ferrier, Ronald (1986). 'Trade from the Mid-14th Century to the End of the Safavid Period', in: *The Cambridge History of Iran, Vol. 6: The Timurid*



- and Safavid Periods*, pp. 412–490, Cambridge: Cambridge University Press.
- Gilquin, Michael (trans. M. Smithies) (2005). *The Muslims of Tailand*, Chiang Mai: Silkworm Books.
- [http://www.atimes.com/atimes/Middle\\_East/MA05Ak01.html](http://www.atimes.com/atimes/Middle_East/MA05Ak01.html) (accessed on 23 January 2014).
- Hutchinson, E. W. (1990). *1688 Revolution in Siam. The Memoir of Father de Bèze*, Hong Kong and Bangkok: Hong Kong University Press and White Lotus Press, 2nd impression.
- Ibn Muhammad Ibrahim (1968). *Safne-ye Solaymani*, British Museum Ms. BM Or. 6942 [described in G. M. Meredith Owens, *Handlist of Persian Manuscripts*, 1895–1966, pp. 48–49, London: The British Library Publishing Division].
- [Mohammad Rabi' b. Mohammad Ebrahim] (1972). *The Ship of Solayman*, trans. John O'Kane, New York: Columbia University Press.
- Kaempfer, Engelbert (1690). *A Description of the Kingdom of Siam*, Bangkok: Orchid Press, reprint.
- Kaempfer, Engelbert (1940). *Am Hofe des persischen Großkönigs (1684-85). Das erste Buch der Amoenitates Exoticae*, German intr. and tr. Walther Hinz. Leipzig: Koehler.
- Kersten, Carool (2004). 'The Predicament of Tailand's Southern Muslims', in: *American Journal of Islamic Social Sciences*, 21 (4): 1–29.
- Khatchatphai Burutsaphat (1976). *Tai mutsalim* [Tai Muslims], Bangkok [in Tai].
- Kraus, W. (1984). 'Islam in Tailand. Notes on the History of Muslim Provinces, Tai Islamic Modernism and the Separatist Movement in the South', in: *Journal of the Institute of Muslim Minority Affairs*, 5 (2): 410–25.
- Kukrit Pramoj (1970). 'Khvam pen ma khong mutsalim nai prathet thai' [History of the Muslims in Tailand], *Warasan Chumchon Chula*, 22 (3): 19–40 [in Tai].
- Ma Huan (1997). *Ying-yai Sheng-lan. The Overall Survey of the Ocean's Shores (1433)*, tr. J. V. G. Mills, Bangkok: White Lotus Press [reprint of the 1970 Hakluyt edition].
- Madmarin, Hasan (2002). *The Pondok and Madrasah in Patani*, Bangi: Selangor/Malaysia, 2nd repr.

- Marcinkowski, Christoph (2002a). 'Safne-ye Solaymani', in: *Encyclopaedia Iranica*, New York NY, United States, Columbia University, ed. Ehsan Yarshater, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/safne-yesolaymani>.
- Marcinkowski, Christoph (2002b). 'Tailand–Iran Relations', in: *Encyclopaedia Iranica*, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/thailand-iran-relations>.
- Marcinkowski, Christoph (2002c). 'Southeast Asia i: Persian Presence in', in: *Encyclopaedia Iranica*, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/southeast-asia-i>.
- Marcinkowski, Christoph (2002d). 'South-East Asia ii: Shi'ites in', in: *Encyclopaedia Iranica*, available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/southeast-asia-ii>.
- Marcinkowski, Christoph (2002e). 'The Iranian-Siamese Connection: An Iranian Community in the Tai Kingdom of Ayutthaya', in: *Iranian Studies*, 35 (1)–3: 23–46.
- Marcinkowski, Christoph (2002f). *Mirza Raf'a's Dastur al-Muluk: A Manual of Later Safavid Administration*, Annotated English Translation, Comments on the Ofces and Services, and Facsimile of the Unique Persian Manuscript, Kuala Lumpur: International Institute of Islamic Thought and Civilization.
- Marcinkowski, Christoph (2003a). 'The Iranian Presence in the Indian Ocean Rim: A Report on a 17th-Century Safavid Embassy to Siam (Tailand)', in: *Islamic Culture*, 77 (2): 57–98.
- Marcinkowski, Christoph (2003b). 'Iranians, Shaykh al-Islams and Chularajmontris: Genesis and Development of an Institution and its Introduction to Siam', in: *Journal of Asian History*, 37 (2): 59–76.
- Marcinkowski, Christoph (2004a). 'Features of the Persian Presence in Southeast Asia', in: Imtiyaz Yusuf (ed.), *Measuring the Effects of Iranian Mysticism in Southeast Asia*, pp. 24–44, Bangkok: Cultural Centre, Embassy of the Islamic Republic of Iran.
- Marcinkowski, Christoph (2004b). "'Kidnapping" Islam? Some Thoughts on Southern Tailand's Muslim Community between Ethnocentrism and Constructive Conflict Solution', in: *Islamic Culture*, 78 (2): 79–86 [also available online at: <http://mis-pattani.pn.psu.ac.th/registra/grade/temp/speech/20020823/Panel18%5B1%5D.htm> (accessed on 23 February 2006)].

- Marcinkowski, Christoph (2005). *From Isfahan to Ayutthaya: Contacts between Iran and Siam in the 17th Century*, with a foreword by Professor Anthony Reid, Singapore: Pustaka Nasional.
- Marcinkowski, Christoph (2006). “‘Holier than Thou’: Buddhism and the Tai People in Ibn Muhammad Ibrahim’s 17<sup>th</sup> Century Travel Account *Safneh-yi Sulaymani*”, in: *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 156 (2): 407–19.
- Marcinkowski, Christoph (2010). *Shi’ite Identities: Community and Culture in Changing Social Contexts*. Freiburg Studies in Social Anthropology 27, Berlin: LIT Verlag.
- Minorsky, Vladimir (1955). ‘The Qara-Qoyunlu and the Qutb-Shahs (Turkmenica, 10)’, in: *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 18 (1): 50–73.
- Mohammad Rabi’ b. Mohammad Ebrahim (1977). *Safne-ye Solaymani. Safarname-ye safr-e Iran be Siyam, 1094-1098, naveshte-ye Mohammad Rabi’ b. Mohammad Ebrahim* ed. Abbas Faruqi, Tehran: 2536 shahanshahi.
- Nagashima, Hiromu (1997). ‘Persian Muslim Merchants in Thailand and their Activities in the 17th Century: Especially on their Visits to Japan’, in: *Nagasaki Prefectural University Review*, 30 (3): 387–99.
- Nagazumi, Yoko (1999). ‘Ayutthaya and Japan: Embassies and Trade in the Seventeenth Century’, in: Kennon Breazeale (ed.), *From Japan to Arabia: Ayutthaya’s Maritime Relations with Asia*, Bangkok: the Foundation for the Promotion of Social Sciences and Humanities Textbooks Project, pp. 89–103.
- Pratruangkrai, Petchanet (2007). ‘Iranians Buy Ticket to Health: Wellness Trips to the Kingdom on the Rise’, in: *The Nation* (Bangkok), 7 May 2007, available online at: [http://www.nationmultimedia.com/2007/05/07/business/business\\_30033535.php](http://www.nationmultimedia.com/2007/05/07/business/business_30033535.php) (accessed on 23 January 2014).
- Records of the Relations between Siam and Foreign Countries in the Seventeenth Century (1915–21). Copied from Papers Preserved at the India Ofce, 5 vols, Bangkok: Council of the Vajirañāṇa National Library.
- Reid, Anthony (1993). *Southeast Asia in the Age of Commerce, 1450–1680, Volume Two: Expansion and Crisis*, New Haven and London: Yale University Press.
- RISEAP [Regional Islamic Da‘wah Council of Southeast Asia and the Pacific] (ed.) 1996 *Muslim Almanach Asia Pacific*, pp. 206–220 (on Thailand), Kuala Lumpur.

- Scupin, R. (1981). 'The Socio-Economic Status of Muslims in Central and North Tailand', in: *Journal of the Institute of Muslim Minority Affairs*, 3 (2): 162–189.
- Scupin, R. (1988). 'Muslims in South Tailand: A Review Essay', in: *Journal of the Institute of Muslim Minority Affairs*, 9 (2): 404–419.
- Sherwani, H. K. (1974). *History of the Qutb Shahi Dynasty*, New Delhi: Munshiram Manoharlal Publishers.
- Smithies, Michael (ed., tr.) (1997). *The Chevalier de Chaumont and the Abbe, de Choisy: Aspects of the Embassy to Siam 1685*, pp. 21–149, Chiang Mai: Silkworm Books.
- Sohayli-Khvansari, M. (Year?). 'Ravabet-e dusti-ye Siyam ba Iran dar ahd-i Shah Solyaman-e Safavi', in: *Salnama-ye Keshvar-e Iran 18*, pp. 99–105.
- Subrahmanyam, Sanjay (1992). 'Iranians Abroad: Intra-Asian Elite Migration and Early Modern State Formation', in: *The Journal of Asian Studies*, 51 (2): 340–63.
- Sunait Chutintaranond (1999). 'Mergui and Tenasserim as Leading Port Cities in the Context of Autonomous History', in: Kennon Breazeale (ed.), *From Japan to Arabia: Ayutthaya's Maritime Relations with Asia*, pp. 104–18, Bangkok: the Foundation for the Promotion of Social Sciences and Humanities Textbooks Project.
- Tachard, Guy (1999). *A Relation of the Voyage to Siam, Performed by Six Jesuits, Sent by the French King, to the Indies and China, in the Year, 1685*, Bangkok: White Lotus Press, reprint.
- Tibbetts, Gerald R. (1955). 'Pre-Islamic Arabia and South-East Asia', in: *Journal of the Malayan Branch of the Royal Asiatic Society*, 29 (3): 182–208.
- Tibbetts, Gerald R. (1957). 'Early Muslim Traders in South-East Asia', in: *Journal of the Malayan Branch of the Royal Asiatic Society*, 30 (1): 1–45.
- Tibbetts, Gerald R. (1981). *Arab Navigation in the Indian Ocean before the Coming of the Portuguese*, London: Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland, United States Department of State, Bureau of Democracy, Human Rights, and Labor.
- Tibbetts, Gerald R. (2005). 'International Religious Freedom Report 2005: Tailand', available online at: <http://www.state.gov/g/drl/rls/irf/2005/51531.htm> (accessed on 5 July 2006).
- Wyatt, David K. (1976). 'Chronicle Traditions in Tai Historiography', in: C. D. Cowan and O. W. Wolters (eds.), *Southeast Asian History and Historiography; Essays Presented to D. G. E. Hall*, pp. 107–22, Ithaca and London: Cornell University Press.

- Wyatt, David K. (1999a). 'Family Politics in Seventeenth- and Eighteenth-Century Siam', in: David K. Wyatt, *Studies in Tai History; Collected Articles*, pp. 96–105, Chiang Mai: Silkworm Books, 2nd reprint.
- Wyatt, David K. (1999b). 'Family Politics in Nineteenth-Century Thailand', in: David K. Wyatt, *Studies in Tai History. Collected Articles*, pp. 106–30, Chiang Mai: Silkworm Books, 2nd reprint.
- Wyatt, David K. (1999c). 'A Persian Mission to Siam in the Reign of King Narai', in D. K. Wyatt, *Studies in Tai History. Collected Articles*, pp. 151–57, Chiang Mai, 2nd reprint.
- Wyatt, David K. (1999d). *Thailand. A Short History*, Chiang Mai: Silkworm Books, reprint.
- Yule, Henry and A. C. Burnell (1996). *Hobson-Jobson The Anglo-Indian Dictionary*, Ware: Wordsworth Editions Ltd, reprint.
- Yusuf, Imtiyaz (1998). 'Islam and Democracy in Thailand: Reforming the Ofce of Chularajmontri/Shaykh al Islam', in: *Journal of Islamic Studies*, 9 (2): pp. 277–98.
- Yusuf, Imtiyaz (2004). *Measuring the Effects of Iranian Mysticism in Southeast Asia* (ed.), Bangkok: Cultural Centre, Embassy of the Islamic Republic of Iran.